

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

◇ یادداشت سردبیر

در نگرش‌های نوینی که به مدیریت در حوزه‌ی کنابرداری و اطلاع‌رسانی می‌شود، گاه اصطلاحات گوناگونی به کار می‌رود که مرزهای عملی و نظری آنها به درستی تبیین نشده یا کاربرد آنها از روشنی لازم برخوردار نیست. اصطلاحاتی چون مدیریت نظام‌های اطلاع‌رسانی، مدیریت بانک‌های اطلاعاتی، مدیریت پایگاه‌های اطلاعاتی، مدیریت مراکز اطلاع‌رسانی، و مدیریت اطلاعات از آن جمله‌اند. در این تداخل مفهومی، متون و منابعی که در حوزه‌ی مدیریت این رشته تدوین شده‌اند نقشی عمده دارند؛ یعنی با نابجا به کار گرفتن یا جابه‌جا به کاربردن این مفهوم سبب آشفتگی کاربرد آن در متون بعدی، خصوصاً آثار نویسندگان جوان‌تر شده‌اند.

واقع امر این است که نظام‌های اطلاع‌رسانی گرچه با مراکز اطلاع‌رسانی یکسان و همسنگ تلقی شده یا همانند به کار می‌روند، لیکن الزاماً با هم یکی نیستند. هرگاه با نگرشی سیستمی به این مفاهیم توجه کنیم، باید گفت که مرکز اطلاع‌رسانی را می‌توان نوعی نظام اطلاع‌رسانی دانست، اما هر نظام اطلاع‌رسانی ضرورتاً مرکز اطلاع‌رسانی نیست. به طور مثال، نظام اطلاع‌رسانی پزشکی، نظام اطلاع‌رسانی کشاورزی، و مانند آن بسیار فراتر از مرکزی واحدند؛ و چه بسا تعدادی مرکز را در برگیرند. به عبارت دیگر، میان مرکز اطلاع‌رسانی و نظام اطلاع‌رسانی نوعی عموم و خصوص وجود دارد.

میان بانک‌های اطلاعاتی و پایگاه اطلاعاتی نیز چنین تمایزی وجود داشته که امروزه در متون و منابعی که خود مبدع این اصطلاحات بوده‌اند به صورت مترادف به کار می‌رود و این ترادف رواج عام یافته و به همین دلیل می‌توان آن دورا یکی دانست. این ترادف اجازه می‌دهد که آن‌دورا یکسان بدانیم و یکی را به جای دیگری به کار بریم. اما رابطه‌اش با مرکز اطلاع‌رسانی رابطه‌ی زیرمجموعه و فرامجموعه است. یعنی ممکن است مرکز اطلاع‌رسانی دارای چندین بانک اطلاعاتی باشد.

مدیریت اطلاعات اساساً مقوله‌ای کاملاً متفاوت و متمایز است. این مدیریت در واقع مدیریتی مفهومی است و سیاست‌ها و استراتژی‌های ویژه‌ای را مد نظر قرار می‌دهد که الزاماً با مدیریت موارد پیشگفته یکسان نیست. به بیان سازمانی، مدیریت اطلاعات در تشکیلات اجرایی مدیریتی ممکن است رؤیت نشود.

برای روشن تر شدن امر بدنیت دغدغه‌های مدیریتی را در موارد یاد شده جست‌وجو کنیم. مدیریت مرکز اطلاع‌رسانی از لحاظ سازمانی به برنامه‌ریزی، تهیه امکانات، بودجه، نیروی انسانی، فضا، تجهیزات و مسائلی از این قبیل می‌پردازد و درباب بانک‌های اطلاعاتی مورد نیاز مرکز - طبق اهداف و وظایف از پیش تعیین شده - تصمیم‌گیری می‌کند؛ و حال آنکه مدیریت نظام اطلاع‌رسانی ممکن است به مدیریت‌های مراکز، تقسیم وظایف میان مراکز، سیاستگذاری برای پرهیز از دوباره کاری، اجرای نظارت‌ها و هماهنگی‌های لازم و مسائلی از این نوع بیندیشد. مسائل مدیریت بانک اطلاعاتی بیشتر متوجه نرم‌افزارهای مناسب، سخت‌افزارهای مطلوب، عملکرد بانک از لحاظ ذخیره و بازیابی، بهینه‌سازی جست‌وجو، پیش‌بینی امکانات ارتباطی گسترده‌تر، شبکه‌سازی، و مواردی از این دست است.

مدیریت اطلاعات، اما، نه صرفاً متوجه نظام اطلاعاتی است و نه مرکز اطلاع‌رسانی و نه بانک اطلاعات، بلکه به مسائل مربوط به نیازسنجی اطلاعاتی مخاطبان بالقوه و بالفعل، عادت‌ها و رفتارهای اطلاع‌یابی، شناخت مجراها و رویه‌هایی که عرفاً مورد پسند قشرها و لایه‌های اجتماعی است، سیاستگذاری‌های مربوط به پیوند ارگانیک میان زبان نظام‌ها و زبان کاربران و چگونگی ایجاد مطلوب‌ترین شیوه ارتباطی، و مسائلی از این نوع می‌پردازد. آنچه این نوع مدیریت فراهم می‌سازد، می‌تواند مبنای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری سایر مدیریت‌ها که بیشتر تشکیلاتی است قرار گیرد.

نکته شایان توجه این است که استقلال مدیریت اطلاعات از سایر مدیریت‌های مورد اشاره به معنای بی‌نیازی آنها نسبت به یکدیگر نیست، بلکه در لایه‌های پنهان مدیریت، بسیار به یکدیگر وابسته‌اند. مدیریت نظام، مرکز، یا بانک، از نوع مدیریت اجرایی است، در حالیکه مدیریت اطلاعات از نوع استراتژیک است. زیرا رابطه نظام، مرکز، یا بانک را با محیط آن بررسی می‌کند. به عبارت دیگر، مدیریت اطلاعات به این مهم می‌اندیشد که: آیا آنچه در مدیریت اجرایی صورت گرفته توانسته است به اهداف بیرونی خود دست یابد؟ آیا محیط از عملکرد سیستم به گونه‌ای مورد انتظار برخوردار است؟ آیا می‌توان در دراز مدت به این رویه ادامه داد؟ آیا آنچه انجام می‌شود با علم به نیاز واقعی محیط است؟ و مواردی فراوان از این قبیل.

در مجموع می‌توان گفت که مدیریت‌های نظام، مرکز، یا بانک بدون اتکاء به یافته‌های مدیریت اطلاعات قادر به استمرار فعالیت یا حصول اطمینان از آنچه انجام گرفته نیستند. اینکه مدیریت اطلاعات در کجای ساختار مدیریتی قرار می‌گیرد چندان اهمیت ندارد. می‌تواند مشاور مدیریت اجرایی باشد، می‌تواند با مدیریت اجرایی منطبق باشد - یعنی مدیر اجرایی در عین حال مدیر اطلاعات نیز باشد - می‌تواند همیشگی باشد یا برحسب نیاز مورد مراجعه قرار گیرد، یا هر شکلی که با مقدرات مدیریتی سازگار باشد، اما نمی‌توان به مدیریت اجرایی موارد پیشگفته پرداخت و از مدیریت اطلاعات بی‌نیاز بود.